

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

۱. در میدان نبرد و مبارزه آنچه بیش از همه به آن احتیاج دارید این است که روحیه تحرک، روحیه پیشرفت، روحیه مبارزه‌ی با شرایط را در خودتان تقویت کنید؛ این شرط اول است. شجاعت ورود در میدان را به خودتان ابدید، عزم راسخ در این زمینه را داشته باشید. مشکل طبعاً پیش می‌آید. همواره در اجتماعات، در جوامع، در کشورها مشکل پیش می‌آید. (۹۷/۴/۲۴)
۲. در مواجهه‌ی با مشکل، دو جور آدم داریم: یک جور آدم هست که وقتی با مشکل مواجه می‌شود احساس مسئولیت مضاعف پیدا می‌کند، جوشش غیرت پیدا می‌کند. وقتی می‌بیند مشکل پیش آمد انگیزه‌ی او مضاعف می‌شود، احساس مسئولیتش مضاعف می‌شود، احساس می‌کند تحرک بیشتری باید انجام بدهد، وارد میدان بشود. یک جور آدم هم هست که وقتی با مشکل مواجه شد دچار یأس و ترس و منفی‌بافی و "نمی‌شود" و "نمی‌توانیم" و "چکار کنیم" و این چیزها می‌شود. مدیران دولتی باید از نوع اول باشند یعنی وقتی با مشکل مواجه می‌شوند این روحیه در آنها وجود داشته باشد؛ روحیه‌ی برخورد، روحیه‌ی "می‌توانیم"، روحیه‌ی "حتماً اقدام می‌کنیم"، این یک مسئله است؛ شجاعت در اقدام و روحیه‌ی برخورد با مشکل به‌صورت عاقلانه و مدبرانه. طبعاً هر مشکلی، نوعی برخورد لازم دارد ... این را باید همه‌ی دوستانی که در کار دولت هستند، هم خود شما، هم مدیران زیردست شما [داشته باشند]. بنده گاهی دیده‌ام در یک وزارتخانه مثلاً مدیر دارای روحیه‌ی خوب، قوی، پرتوان، می‌آیند، صحبت می‌کنند، می‌گویند، و آدم احساس می‌کند که انگیزه‌ی قوی‌ای وجود دارد. (۹۷/۴/۲۴)
۳. بایستی تصویر دولت در چشم مردم، تصویر یک گروه توانا و کارآمدی باشد که دارند تلاش می‌کنند. حالا البته انسان که تلاش می‌کند، همیشه موفق نمی‌شود؛ نفس اینکه دارند تلاش می‌کنند، کار می‌کنند، این برای مردم جذاب است. شما ملاحظه کردید ما در بازی فوتبال امسال، در مقابل اسپانیا گل خوردیم اما همه تیم ما را تأیید کردند. بنده خودم که خیلی دیر در این قضایا وارد می‌شوم، وارد شدم؛ گفتم کارتان عالی بود. مردم هم آمدند به خیابانها؛ در حالی که گل خورده بودیم. چرا؟ چون خوب بازی کردند؛ چون همه دیدند که اینها در میدان تلاش کردند، عرق ریختند، ابتکار به خرج دادند، شجاعت به خرج دادند. دروازه‌بان با هوشمندی و فداکاری و سرعت عمل، یک کاری کرد که کارستان بود؛ این را مردم وقتی ببینند از شما، برایتان شعار می‌دهند؛ به نفعتان شعار می‌دهند؛ این باید احساس بشود. ممکن است یک جا آدم نتواند مشکل را حل کند؛ [اما] همین قدر که بدانند وارد میدان هستید و دارید تلاش می‌کنید و روز و شب نمی‌شناسید، این به مردم این پیام اقتدار را می‌دهد. باید احساس بکنند دارد کار می‌شود. (۹۷/۴/۲۴)
۴. برخورد قاطع با متخلف. وقتی کسی تخلف می‌کند برخورد قاطع کنید. وقتی شما ارز ۴۲۰۰ تومانی را می‌دهید به بانک که به مردم به آن کسانی که معین شده داده بشود بعد این بانک، بانک نه دلال، بانک این ارز را می‌فروشد شش هزار تومان که این را آقای رئیس‌جمهور گفتند به بنده. خب این برخورد فوری لازم دارد، برخورد آنی لازم دارد، یعنی این واقعاً دیگر اینها خیانت دیگر معنای دیگری ندارد که. یا فرض بفرمایید که در همین چیزهایی که شرکتهای صوری‌ای که درست کردند و آمدند به‌عنوان اینها ارز گرفتند، دستگاه امنیتی باید دنبال کند، فعال باشد، اینها را شناسایی کند، برخورد کند با

اینها، برخورد با متخلف، برخورد جدی بکنید، مردم استقبال می کنند از این برخورد. آقای رئیس جمهور راجع به این وارد کردن خودرو یک دستور خوبی دادند که بسیار خوب است. این از این کارها بکنید آقای دکتر روحانی هر چه می توانید این مردم را واقعاً خوشحال می کند و کمک می کند به پیشرفت کشور. اینکه شما دستور بدهید که اینها را دنبال کنند ببینند کی اند چی اند و از آن کسی که بهش دستور دادید مطالبه کنید، مطالبه کنید من به ایشان چندی پیش همین اخیراً گفتم. گفتم شما امروز یک دستوری به وزیر محترم می دهید، شب، فردا شب تلفن بزنید بگویید آقا چی شد، آن کار را چه کار کردید، به کجا بردید، یعنی دنبال گیری کنید. یکی از خصوصیات مرحوم آقای هاشمی خدا رحمتش کند این بود دنبال می کرد قضا را. شب توی خانه نشسته بود یادش می آمد مثلاً فرض کنید که فلان موضوع را با وزیر صحبت کرده از همانجا تلفن می کرد به آن وزیر که آقا این قضیه چی شد؛ این خیلی خوب است، این به وزیر انگیزه می دهد، این آن را وادار می کند به اینکه این کار را دنبال بکند. (۹۷/۴/۲۴)

۵. مبارزه واقعی با فساد؛ این واقعاً با فساد مبارزه بشود. ما باید برخورد کنیم بعد برخورد را به مردم بگوییم، برخورد را، یک نفر فاسد را پیدا کنیم یا یک گروه فاسد را پیدا کنیم برخورد قانونی قوی رضایتبخش بکنیم بعد همین را به اطلاع مردم برسانیم، بگوییم این کار اتفاق افتاد؛ این خوب است، این درست است. و البته این کار مسئلهی برخورد این مربوط می شود به وزراء و مدیران ارشد اینها که باید برخورد کنند یعنی این ارتباط به قوهی قضاییه پیدا نمی کند، شما باید برخورد کنید و شما باید از قوهی قضاییه بخواهید که وارد بشوند. (۹۷/۴/۲۴)

۶. به مشکل نظام بانکی به طور جدی باید رسیدگی بشود؛ این حرفی است که همه میزنند. در نظام بانکی و مشکل نقدینگی ای که الان در کشور وجود دارد، اگر چنانچه ما می توانستیم با هنر هدایت این نقدینگی به کارهای سازنده و مفید، کشور را پیش می بردیم، این نقدینگی نعمت بزرگی بود؛ الان یک بلای بزرگی است؛ واقعاً یک چیز خیلی خطرناکی است. این رقم نقدینگی خیلی رقم فوق العاده ای است؛ هم رقمش خیلی بالا است، هم رشدش زیاد است؛ ۱۵۰۰ هزار میلیارد یک چیز افسانه ای است. به نظر من مسئلهی بانکها و بخصوص تکیه ای روی مسئلهی نقدینگی احتیاج دارد به یک کارگروه دانا، حساس، پُرکار، خطرپذیر و شجاع؛ دولت یک کارگروهی تشکیل بدهد. یک کارگروه قویّ فعال شب و روز کار، معین بشوند فقط برای اینکه فکر کنند ببینند با مسئلهی بانکها و با مسئلهی نقدینگی چه جوری بایستی برخورد کنند؛ بخشهای جذابی را برای جذب نقدینگی در نظر بگیرند که البته یک فهرستی به من داده شده. نگذاریم که این نقدینگی سرازیر بشود به طرف ارز و به طرف طلا و به طرف مسکن و به طرف کالاها، که خب طبعاً به هر جا که این نقدینگی رو کند و هجوم بیاورد، پدر آن منطقه درمی آید. البته کارگروهی که بخواهند بنشینند و هفته ای یک جلسه داشته باشند، فایده ندارد؛ باید یک کارگروه دائم شبانه روزی از آدمهای فعال تشکیل بشود، بنشینند واقعاً کار کنند، فکر کنند، سر یک ماه، دو ماه، سه ماه یک برنامه ی کاری روشنی مشخص کنند و بیاورند بدهند به آقای رئیس جمهور، دستور اقدام داده بشود و بلافاصله مشغول عمل بشوند؛ یعنی یک چنین چیزی لازم است. (۹۷/۴/۲۴)

۷. بنده جداً معتقدم که ان شاء الله می توانید؛ اگر چنانچه کسی حالا بعید است، احساس بکند که نمی تواند با این روند کنار بیاید خب طبعاً افرادی باید بیایند جایگزین بشوند تا این مجموعه، مجموعه ی حرکت کننده ی خوبی باشد. خب آقای دکتر

روحانی زحمت می کشند انگیزه‌ی خوبی هم دارند، باید مجموعه یک مجموعه‌ای باشد که با ایشان همکاری کند و بتواند ان شاء الله پا به پا حرکت کند. (۹۷/۴/۲۴)

۸. با مردم باید حرف بزنید. حرف زدن با مردم به صورت روبرو و رودررو، با مردم حرف بزنید مسائل را به مردم بگویید، بگویید که دشمن میخواهد از رخنه‌ی اقتصادی استفاده کند، این را صریح به مردم بگویید، بگویید البته ما مشکلات اقتصادی‌ای داریم دشمن می خواهد از این استفاده کند، ما نخواهیم گذاشت و به کمک شما احتیاج داریم. به مردم گفته بشود ما نمی گذاریم دشمن از این رخنه وارد بشود و استفاده بکند و ضربه بزند به کشور اما به کمک شما احتیاج داریم این را بگویید، بگویید ما با همه‌ی قدرت می‌ایستیم. (۹۷/۴/۲۴)

۹. حالا مثلاً فرض کنید شما می روید فلان کارخانه را افتتاح می کنید، این کافی نیست. اینی که شما بروید فرض کنید حالا فلان کارخانه را در فلان نقطه‌ی کشور، یک نواری را مثلاً قیچی کنید این کافی نیست. اگر چنانچه واقعاً یک کار خوب و کارستانی انجام گرفته به‌عنوان این کارخانه بروید در دل کار، مردم ببینند و این را منعکس بکنند. بروید با کارگر تماس بگیرید، بروید پای کوره، بروید نمی دانم محصول را تماشا کنید، بروید جاهای، انبارها را ببینید، بروید با کارگرها، مجموع کارگرها حرف بزنید، وارد کار بشوید. این اگر شد، مردم می‌بینند بله، دارد کار انجام می‌گیرد. جزئی وارد کار بشوید. اینی که حالا به شکل خیلی رسمی و با تفنن و با فلان وارد بشود انسان یک جایی و بعد راهنمایی کنند ما را برویم با قیچی برداریم ما این نوار را مثلاً فرض کنید، این دل مردم را شاد نمی کند. مردم افتتاحهای چندگانه کم ندیدند، شماها خودتان هم یادتان است بعضی‌تان آن زمان وزیر هم بودید، چند بار یک کاری افتتاح شد. یک کاری افتتاح شده در حالیکه آماده نبوده. اینها را که عرض می‌کنم، اینها چیزهایی است که ما خب یادمان است دیگر، اینها چیزهایی است که اطلاع داریم، شایعات و اینها نیست، زمان خود ما اتفاق افتاده؛ از اینها مردم دیدند لذا این افتتاح کردن و اینها کافی نیست. باید اگر چنانچه واقعاً کاری دارد انجام می‌گیرد در کشور که انجام می‌گیرد، انصافاً کارهای خوبی هم دارد می‌شود، اینها را برای مردم درست روشن کنید، تشریح کنید. (۹۷/۴/۲۴)

۱۰. شرایط خب شرایط خطیری است. مشکلاتی وجود دارد، مشکلاتی هم احتمالاً در پیش خواهد بود برای امسال، سال ۹۷. همه بایستی همکاری کنند، کمک کنند، فکر کنند تا ان شاء الله از این مشکلات با سلامت و با قدرت عبور بکنیم. همچنانی که در گذشته، در سالهای پیش مشکلاتی در کشور پیش آمده، مشکلات مهمی هم بوده. در مواردی از آنچه که امروز ما با آن مواجه هستیم مهم‌تر هم بوده؛ ما در دهه‌ی شصت به وضعیتی رسیدیم که درآمد کشور در طول سال حدود هفت میلیارد دلار بود، یعنی غیر نفتی، درآمد غیرنفتی که تقریباً نداشتیم، درآمد نفتمان هم حدود ۷ میلیارد مجموعش بود، جنگ هم داشتیم. خب البته جمعیت کشور کمتر بود، شرایط گوناگونی هم وجود داشت، اینها را می‌دانیم اما بالاخره مسئله‌ی کوچکی نبود این. بنده یادم است آن وقت در هیئت دولت، نشسته بودیم آنجا، هیئت دولت در دفتر ما تشکیل می‌شد در یک موقعی، این مسئله مطرح شد، خب، با یک روحیه‌ی قوی، روحیه‌ی انقلابی همه همکاری کردند، اقدام کردند و به نتایجی رسیدیم، یعنی بنابراین عبور از مشکل چیز مهمی نیست، در گذشته ما بارها این را تجربه کردیم. اینی هم که بنده می‌گویم شرایط کشور شرایط خطیری است، خطیر به معنای بن‌بست و بحران نیست، این جور نیست که شرایط کشور بحرانی باشد. حالا من می‌شنوم گاهی کلمه‌ی بحران را از بعضی از تعبیرات، غلط است، کاملاً غلط است. نخیر، نه بحرانی

است، نه ان شاء الله بحرانی خواهد بود، بن بست نیست، بن بست هم نخواهد بود ولی خب مشکل است، مشکلاتی هست، باید از مشکلات عبور کرد. بدیهی است که در شرایط سخت مجاهدت در راه وظیفه و در راه خدا ثواب مضاعفی هم دارد، یعنی یک وقت هست شما بی دردرس، بی دغدغه، بی مشکل کارتان را در وزارتخانه انجام می دهید، یک وقت مشکلاتی دارید، خب وقتی مشکلات دارید و کار را با سختی انجام می دهید طبعاً ثواب الهی بیشتر است و هدایت الهی هم وعده داده شده است. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» [سوره ی عنکبوت، آیه ۶۹] شما وقتی مجاهدت کردید، تلاش کردید خدای متعال هدایت می کند، راه درست را به شما نشان می دهد. (۹۷/۴/۲۴)

۱۱. یک مسئله هم مسئله وحدت سیاسی و عمومی مردم و مسئولان و هم افزایی ها است که در سرتاسر کشور بایستی، هم مردم، هم مسئولین، سعی کنند هم افزایی کنند؛ یکدیگر را تکمیل کنند. (۹۷/۵/۲۲)

۱۲. مسئله اول، مسئله اقتصاد؛ مشکلات معیشتی، امروز چیزی است که آحاد مردم، همه آن را احساس می کنند؛ یک بخشی از مردم هم بشدت و واقعاً زیر فشارند؛ گرانی هست؛ در مواد غذایی، گوشت، تخم مرغ، مرغ، بقیه چیزهای لازم در زندگی، اجاره بهای مسکن، در وسایل منزل، وسایل دیگر و امثال اینها، گرانی فراوان است. خب اینها واقعاً فشار می آورد روی مردم؛ یک مشکلاتی است که وجود دارد؛ یا کاهش ارزش پول ملی؛ اینها مشکلات اقتصادی کنونی کشور است. (۹۷/۵/۲۲)

۱۳. کارشناسان اقتصادی کشور و بسیاری از مسئولین، متفقند بر اینکه عامل این حوادث، تحریمهای خارجی نیست، عامل این حوادث، درونی است، مشکلات داخلی است. بسیاری از مسئولین هم این را بر زبان آورده اند، گفته اند. کارشناس ها هم تقریباً - تا آنجایی که بنده مطلع شده ام - متفق بر این معنا هستند. نه اینکه تحریمها اثر ندارد؛ چرا، تحریمها هم اثر دارد؛ اما عمده تأثیر، مربوط به عملکرد ماها است. اگر چنانچه این عملکردها بهتر از این باشد، با تدبیرتر از این باشد، بهنگام تر از این باشد، قوی تر از این باشد که امروز هست، تحریمها اثر زیادی نمی گذارند؛ می شود علاج کرد و در مقابل تحریمها می شود ایستاد. بیشتر مشکل، ناشی از مسائل درونی و داخلی خود ما است. (۹۷/۵/۲۲)

۱۴. حالا مثلاً فرض کنید در همین قضیه ارز و سگه و این حرفهایی که این دو سه ماهه پیش آمد، خب، مبالغ زیادی - حالا گفتند مثلاً فرض بفرمایید هجده میلیارد دلار، اسکناس موجود ارز؛ برای کشور ما که در تهیه ارز مشکل داریم و ارزها و پولهای خودمان را هم نمی توانیم از خارج وارد کشور کنیم و سخت است، هجده میلیارد رقم بالایی است - بر اثر بعضی از بی تدبیری ها و بی توجهی ها، آمد دست افرادی که از آن سوء استفاده کردند. یک نفری یک کالایی را ثبت سفارش کرد، یک کالای دیگر آورد؛ یک چیزی را درخواست کرد برای یک مقصودی، ارز را در آنجا مصرف نکرد؛ گفت می خواهم مسافرت بروم، نرفت؛ ارز را، یا آوردند - یک تعداد معدودی - استفاده کردند، یا به قاچاقچی فروختند [او] ارز را برداشت برد خارج، یا به کسی فروختند که آن را احتکار کرد و نگه داشت تا گران بشود و بیاید به قیمت دو برابر و سه برابر بفروشد و به ثروت بادآورده [برسد]؛ خب اینها مشکلات مدیریتی است؛ این ربطی به تحریم ندارد. مسئولین محترم کشور، به این معنا اذعان دارند؛ قبول دارند که مشکل این جور هست؛ بنابراین بسیاری از مشکلات از این قبیل است. مشکلات، مربوط به نحوه مدیریت ما و نحوه سیاست گذاری اجرایی ما است. (۹۷/۵/۲۲)

۱۵. ارز را یا سگه را وقتی که به صورت غلط تقسیم می کنند، این دو طرف دارد: یکی آن که می آید این را میگیرد و مثلاً فرض کنید قاچاقچی است یا به قاچاقچی می فروشد؛ یکی آن که این را می دهد. ما همه اش داریم دنبال آن کسی که «می گیرد» می گردیم - مفسد اقتصادی، قاچاقچی - درحالی که تقصیر عمده متوجه آن کسی است که «داد»؛ او را باید دنبال کرد. در این کاری که اخیراً قوه قضائیه شروع کرده که کار درستی است، دنبال این هستند. نه اینکه بی خود زید و عمرو را متهم کنند؛ نه، لکن بالاخره یک تخلفی انجام گرفته، یک خطای بزرگ انجام گرفته. نمی گوییم هم «خیانت»؛ زبان بنده این جور نمی گردد که راحت بگوییم فلانی یا فلان کس ها خیانت می کنند؛ نه، اما بالاخره خطا کردند و خطای مهمی کردند که ضررش به مردم برگشت. وقتی این جور قیمت ارز ترقی پیدا می کند - یعنی قیمت ریال می آید پایین - خب برای آن کارمندی که روزمرد است یا حقوق اندکی دارد، دیگر چیزی باقی نمی ماند. قیمت ریال وقتی آمد پایین، قیمت پول ملی وقتی آمد پایین، مشکلات همین می شود که ملاحظه می کنید. خب، این یک نکته که بنابراین، تحریمها اثر دارند - نه اینکه اثر ندارند - اما عمده تأثیر سوء، مربوط به نحوه اقدام ما و مدیریتهما است. (۹۷/۵/۲۲)

۱۶. یک نکته دیگر این است که دشمن از همین جا می آید سوء استفاده می کند؛ دشمن کمین گرفته دیگر. ما دشمن داریم؛ ما یک ملتی هستیم که به دلایل گوناگون، دشمنان خبیث و رذل کم نداریم؛ در اطراف کمین گرفته اند، به مجردی که این مشکل را در داخل مشاهده کرد، فوراً مثل مگسی که روی زخم می نشیند، می آید می نشیند روی این مشکل و بنا می کند از این سوء استفاده کردن؛ القا می کند که بله نظام اسلامی نتوانست، نظام اسلامی ناتوان بود؛ القای ناامیدی می کند، مردم را دچار سرگردانی می کند. تبلیغات [می کنند]؛ می بینید دیگر؛ حالا من نمی دانم چقدر شماها با این تبلیغات جهانی ارتباط دارید؛ حالا که دیگر فضای مجازی در اختیار همه هست. به طور دائم، از صد طرف، تبلیغات علیه نظام اسلامی و علیه اسلام و علیه جمهوری اسلامی و علیه همه ای دستگاه های کشور و مانند اینها شروع می شود، به خاطر خطائی که زیدی، عمروی یا بکری انجام داده اند؛ دشمن از این سوء استفاده می کند. خب، این حرکت شرورانه دشمن است؛ خب، حالا چه؟ دشمن می خواهد القا کند که کشور دچار بن بست است. (۹۷/۵/۲۲)

۱۷. حرف من این است: من می گویم در کشور هیچ بن بست وجود ندارد؛ در همین زمینه اقتصادی، هیچ بن بست وجود ندارد. این جور نیست که راه حل نباشد؛ نخیر، مشکلات کشور، مشکلات اقتصاد، شناخته شده است، راه حلها هم شناخته شده است. کننده ها باید ان شاء الله همت کنند، دامن همت به کمر بزنند، که خب شروع کرده اند - کارهایی شده که من حالا در ادامه ی صحبت بیشتر عرض خواهم کرد - انسان می بیند؛ بنده خودم که اینجا نشستام، مرتب از طرف جوانهای مؤمن، انقلابی، علاقه مند، خوش فکر، بابتکار، پیشنهاد و نامه و حرف و مانند اینها به من می رسد که من هم می فرستم برای دستگاه های اجرائی که از آنها استفاده کنند؛ اینها چیزهایی است که برای من می آید. (۹۷/۵/۲۲)

۱۸. اخیراً دیدم حدود چهل کارشناس اقتصادی که بعضی هایشان صاحب نام هم هستند و بعضی ها را ما می شناسیم، به رئیس جمهور نامه نوشته اند؛ مشکلات اقتصادی کشور را فهرست کرده اند، راه حلها را هم فهرست کرده اند. من با دقت خواندم نامه را، دیدم درست است؛ دیدم نامه را از روی دلسوزی نوشته اند. کسانی هم هستند که با دولت و دستگاه و رئیس جمهور محترم و مانند اینها مخالفتی ندارند؛ اینها جزو همین جریانی هستند که امروز در دستگاه های اجرائی حضور کاملی دارند، اما در عین حال اشکالات ساختاری اقتصاد و اشکالات موجود و بالفعل حرکت اقتصادی کشور را خوب تشخیص داده اند،

- برداشته‌اند نوشته‌اند، بیست راه‌حل هم نوشته‌اند. بنده نگاه که کردم - آن‌طور که در ذهنم می‌آید- به نظرم تقریباً همه‌ی راه‌حل‌هایشان درست است؛ اینها همان چیزهایی است که چند سال است ما در شعارهای سال همینها را تکرار کرده‌ایم؛ در سیاستهای کلّی که ابلاغ می‌شود به سه قوه، اغلب اینها - حالا نمی‌گوییم [همه]- چیزهایی است که ما گفته‌ایم؛ حالا این اقتصاددان‌هایی که مستقلّند، صاحب نظرند، صاحب فکرند، اینها را گفته‌اند؛ پس راه‌حل وجود دارد. (۹۷/۵/۲۲)
۱۹. اینکه دشمن و به تبع دشمن یک عده آدم پست داخلی در فلان مطبوعه، در فلان سایت اینترنتی این‌جور تبلیغ کنند که «کشور دیگر به بن‌بست رسید، هیچ راهی وجود ندارد جز اینکه پناه ببریم به فلان شیطان یا فلان شیطان اکبر»، این دیگر خباثت است؛ نخیر، راه وجود دارد، راه‌حل وجود دارد؛ این راه‌حل‌ها هست، در اختیار مسئولین است، می‌توانند اجرا کنند، می‌توانند عمل کنند. (۹۷/۵/۲۲)
۲۰. الان هم می‌توانند تصمیم‌گیری کنند در مقابل اقدام خصمانه و خبیثانه‌ی دشمن - که حالا به حساب آن هم می‌رسیم- و اقدامات لازم را انجام بدهند؛ این کاری است که می‌شود [کرد]. اگر کسی اعلام کند که نخیر، نمی‌شود دیگر کاری کرد و دیگر کار از کار گذشته - [یعنی] اعلام بن‌بست- اگر کسی چنین کاری را بکند، یا جاهل است یا حالا عرض کردم من نمی‌خواهم نسبت خیانت به کسی بدهم اما حرف، خائنه است؛ اگر ناشی از جهالت نباشد. (۹۷/۵/۲۲)
۲۱. برای خاطر اینکه تجربه نشان داده که وقتی با فساد و با مفسد، مواجهه و مقابله صورت می‌گیرد، جیغ‌و دادهایی از گوشه‌و کنار بلند می‌شود. من ده دوازده سال قبل از این یک نامه‌ای نوشتم به سران سه قوه درباره‌ی فساد؛ آنجا گفتم که این یک - قریب به این مضمون؛ در مدارک و مانند اینها موجود است- اژدهای هفت‌سر است؛ فساد این‌جوری است، یک سرش را زدی، چند سر دیگر دارد که بالا می‌آیند؛ باید به‌طور کامل با آن مواجهه بشود. اینکه علنی میکنیم، برای این است که همه بدانند، همه بفهمند بنا است با مفسد بدون رعایت هیچ ملاحظه‌ای برخورد قاطع صورت بگیرد. (۹۷/۵/۲۲)
۲۲. یک نکته‌ی بسیار مهم در زمینه‌ی فساد هست؛ این را بگویم، این را همه توجه کنند، همه‌ی ملت ایران هم توجه کنند. بنده از قدیم با فساد و مفسد و مفسدین اقتصادی و غیرذلک مبارزه میکردم و مخالفت می‌کردم، الان هم عقیده‌ام قرص و محکم همین است؛ اما بعضی‌ها وقتی درباره‌ی فساد حرف می‌زنند، افراطی حرف می‌زنند، حواستان باشد! یک‌جوری حرف می‌زنند که گویا همه فاسدند، همه‌ی مدیران را و همه‌ی دستگاه‌ها را فساد گرفته! نه آقا، این‌جوری نیست؛ یک تعداد کمی فاسدند. بله! فساد، کمش هم زیاد است و باید با آن مواجهه بشود؛ اما این یک حرف است، اینکه شما جوری حرف بزنی که شنونده خیال کند همه جا را فساد گرفته [حرف دیگری است]. بعضی‌ها تعبیرات فرنگی هم به کار می‌برند: «فساد سیستمی»؛ نه آقا! آن کسی که فساد را سیستمی می‌بیند، در مغز خودش فساد هست، در چشم خودش فساد هست. این‌همه مدیر پاک‌دست، این‌همه کارگزار مؤمن و پاک‌دست در سرتاسر کشور در همه‌ی دستگاه‌ها وجود دارند، دارند زحمت می‌کشند؛ چرا به اینها ظلم می‌کنید؟ چرا خلاف می‌گویید؟ چرا به نظام اسلامی ظلم می‌کنید؟ (۹۷/۵/۲۲)
۲۳. دستگاه‌های نظارتی هم بایستی با قوت و با چشم باز در میدان باشند؛ هم دستگاه‌های اطلاعاتی، هم دستگاه‌های نظارتی مربوط به قوه‌ی قضائیه، هم دستگاه‌های نظارتی مربوط به مجلس، هم آحاد مردم مؤمن بایستی احساس کنند که وظیفه دارند و نقش ایفا کنند. من دیدم در یکی از این روزنامه‌ها، از مردم مؤمن - حزب‌اللّهی، بسیجی و غیره- خواسته

- شده که اگر شما به یک جایی دست پیدا کردید و اطلاع پیدا کردید که مثلاً احتکار کرده‌اند، بیایید خبر بدهید. بله، خیلی فکر خوبی است؛ درست است؛ خیلی از این کارهایی که انجام گرفته است، با کمک آحاد مردم [بوده]. (۹۷/۵/۲۲)
۲۴. مثلاً در همین قضیه‌ی ارز و سگه و این حرفها، اگر نظارت بود، اگر دقت بود، اگر پیگیری بود، راه این فساد بسته می شد؛ این در دروازه را نبستند، کاری که باید انجام بگیرد انجام نگرفت، خب فساد درست شد. یکی از کارها همین است که راه‌های فساد، درهای فساد بسته بشود. (۹۷/۵/۲۲)
۲۵. بعضی‌ها جوری حرف می زنند، جوری اقدام می کنند که به اسم اینکه می خواهیم اوضاع را درست کنیم یا مثلاً فرض کنید طرفدار ضعفا و مانند اینها [هستیم]، در نقشه‌ی دشمن کار می کنند، خودشان ملتفت نیستند. اینهایی که خطاب می کنند به دولت که بایستی دولت برکنار بشود و از این قبیل حرفها، اینها دارند در نقشه‌ی دشمن کار می کنند. نخیر، دولت باید با قوت سر کار بماند، کارها را باید این دولت انجام بدهد. رئیس‌جمهور، منتخب مردم است؛ مجلس هم منتخب مردم است؛ هم رئیس‌جمهور حق دارد، هم مجلس حق دارد، هر دو حقوقی دارند و تکالیفی دارند؛ تکالیف را باید انجام بدهند، حقوقشان و کرامتشان هم باید حفظ بشود. هم مجلس باید کرامت رئیس‌جمهور را حفظ بکند، هم رئیس‌جمهور باید کرامت مجلس را حفظ بکند؛ باید همدیگر را حفظ کنند، هم‌افزایی کنند. (۹۷/۵/۲۲)

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

منابع:

<http://farsi.khamenei.ir>

<http://khamenei.ir>

«ویرایش دوم، شهریور ۹۹»

«با آرزوی بهترین‌ها»

تهیه کننده: حوزه بسیج شرکت ملی پالایش و پخش